

کیهان

نوشستار حاضر درمان گناهان فکر و زبان را از متن دعاهای صحیفه سجادیه استخراج کرده و سپس به تشریح و تبیین آن پرداخته‌است. اینک متن آن را از نظر می‌گذرانید.

پرهیز دادن راه حل بسیار خوبی برای درمان بیماری‌های جسمی و روحی است که توسط پزشکان و کارشناسان ارائه می‌شود. اما انسان‌ها عموماً در زندگی برای برطرف شدن مشکلات شان دوست ندارند به آنها پرهیز داده شود. آنها بیشتر علاقه مند هستند که برای دفع بیماری هایشان به آنها داروهای داده شود تا مصرف کنند تا اینکه به آنها گفته شود چیزهایی را نخورند یا کارهایی را انجام ندهند. مثلاً برای اینکه لایق نشوند، دوست ندارند به آنها بگویند غذا نخورید بلکه دوست دارند چیزی بخورند که لاغر شوند. در مورد درمان بیماری‌های روحی و عیوب نفسانی نیز معمولاً مردم رغبتی ندارند که یک سری درمان‌های پرهیزی به آنها داده شود و دائماً این سؤال تکراری از بزرگان پرسیده می‌شود: «چکار کنیم و چه ذکری بگوییم که سلوک پیدا کنیم و بتوانیم از گناهان دست برداریم؟» اما معمولاً جواب همان پرهیز است. به خاطر همین طرز تفکر مردم، که از قضا بعید نیست از فطرت انسان باشد، معمولاً عیوب نفسانی نیز معمولاً مردم رغبتی ندارند که یک سری درمان‌های ترک بعضی گناهان نمی شوند و این بیماری‌ها برخی مواقع به بیماری‌های حاد و مزمن تبدیل می‌شوند و ظاهراً متأسفانه درمان سهل و آسان دنیا به درمان سخت قیامت موکول می‌شود.

درمان آسان گناهان فکر و زبان

ذکر درمانی

با نسخه امام سجاد(ع)

مرضیه سادات حمیدی

امام سجاد(ع) در فراز سیزدهم از دعای بیستم صحیفه سجادیه برای این افراد و عیوب و گناهانی مثل غیبت که اکثر مردم به آن مبتلا هستند، پرهیز تجویز نمی‌کند بلکه دستورات ساده و نسخه‌هایی از داروی فکر و ذکر و درمان‌هایی مناسب ارائه می‌فرماید تا شخص به وسیله این فکر و ذکرها نسبت به آن گناهان بی‌رغبت شود و انجام ندهد. این همان روشی است که در دین به یادشده و کمتر بطور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. ایشان برای درمان عیوب نفس را حل‌حالی علمی ارائه می‌فرمایند که بسیار قابل توجه و راهگشاست و در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند. حضرت سجاد(ع) در مرحله اول بیماری‌ها را به بیماری‌های ذهن و زبان تقسیم بندی می‌فرماید. درمان بیماری‌های فکر و ذهن را مقدم بر درمان بیماری‌های زبان می‌داند. بعد تصریح می‌فرماید که این بیماری‌ها از طرف شیطان به انسان تلقین می‌شود و نفس را در گیر می‌کند، نفس به خودی خود به این بیماری‌ها مبتلا نیست. توجه به این نکته بسیار مهم است که از نظر ایشان روش درمان بیماری‌های ذهن و زبان با هم متفاوت و متناسب با خود بیماری است. یعنی بیماری فکر و ذهن را با در گیر کردن آن در جهت خوب و مثبت درمان می‌کنند و بیماری زبان را هم که جهت منفی زبان یعنی گناهان زبان است، با در گیر کردن زبان به سمت گویا شدن در جهت مثبت یعنی ذکر گفتن درمان می‌کنند. همچنین با درخواست هر درمان از خداوند به ما یاد می‌دهند که قبل از اینکه درمان را شروع کنیم، از خداوند بخواهیم که ما را برای درمان موفق کند. در اینجا به راز پادشای‌های زیاد در روایات برای تفکر و اذکار مختلف بیان شده پی می‌بریم.

درمان بیماری‌های فکر
امام سجاد(ع) در دعای اکرام الاطلاق به این صورت دعا می‌فرماید: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِی رُوعِی مِنْ التَّمَنِّی وَالتَّظَنُّی وَالتَّخَسُّدِ ذِکْرًا لِنَفْسِکَ. وَ تَفْکَرًا فِی قَدْرِکَ. وَ تَدْبِیرًا عَلٰی عَدُوِّکَ» (همان) «الهی عنایت کن که به جای آنچه شیطان در دلم می‌افکند از آرزوی باطل و بدگمانی و حسد، یاد عظمت تو کنم، و در قدرت تو اندیشه نمایم، و در دفع دشمنان تو چاره‌سازی نمایم».

امام سجاد(ع) در این قسمت از دعا برای سه بیماری آرزوهای دراز، بدگمانی و حسادت سه راه حل و درمان ارائه فرموده‌اند. همانطور که در بالا اشاره شد که ایشان فکر بد در دیگر شدن ذهن با افکار منفی را در گیر کردن آن به افکار و فعالیت مثبت درمان می‌کنند. پراخته می‌شود. حضرت سجاد(ع) برای درمان بیماری «آرزوهای دور و دراز» که عقل را غافل و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد، (نهیج البلاغه، خطبه‌ی ۸۶) «یاد کردن عظمت پروردگار» و برای بیماری «گمان بد و سوء ظن» که امام علی(ع) در مورد آن می‌فرماید: انسان بدگمان دین ندارد، «تفکر در قدرت خداوند» را تجویز می‌فرماید. نسخه شفا بخش امام سجاد(ع) برای درمان بیماری مهلک روحی «حسادت» که نابودکننده ایمان است، (همان) «تدبیر وچاره سازی برای مقابله با دشمنان» می‌باشد. بجاست بپرسد کسی شود که عظمت پروردگار به چه معانست و با چه چیزهایی یاد می‌شود؟ قدرت خداوند چیست و چه تفاوتی با عظمت دارد؟ چاره‌سازی برای دشمنان یعنی چه؟

شناخت و یادآوری عظمت پروردگار

اگر به محتوای کلام و مجلات آیت الکرسی (بقره - ۲۵۵) توجه کنیم، در می‌یابیم که این آیه پر اهمیت شرح عظمت خداوند است. در این آیه پروردگار با عظمت، غیراز اینکه صفات خود را شمرده با جمله «له ما فی السموات و ما فی الارض» توجه انسان را به تمام مخلوقات خود که وجودشان محقق شده، جلب فرموده و بعد در انتهای آیه خداوند خود را با صفت عظیم یاد فرموده است. خوب است برای یاد آوری عظمت پروردگار خداوند در قرآن می‌فرماید: **وَسَلِّمْ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَیَوْمَ یَمُوتُ** یعنی از نظر تن و روان سالم و از نظر اعمال و رفتار، صالح باشد و سعادت دنیا و آخرت را برای خود تضمین کند. انسان اگر تن و روانی سالم (میرم)، بر انگیزخته می‌شود. (میرم) آیه ۱۵، همچنین می‌فرماید: **وَالسَّلَامُ عَلَیْ یَوْمَ وُلِدْتَ وَیَوْمَ أَمُوتُ وَیَوْمَ أُعْبِتُ خَیْرًا** سلام و برکت من روزی که به دنیا آمدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده بر انگیزخته می‌شوم. اگر به زنده بر انگیزخته می‌شوم، سبب خوشدش و آن که در حکم نفس و خودش است؛ آرامش روانی است و اینکه یعنی فرزندانش از دو صفت

به معنای این آیه توجه شود و به پیام، آیه التثاف و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، یادآوری شود.

پیامبر(ص) نیز راه «یاد آوری عظمت پروردگار» را اندیشیدن در «عظمت مخلوقات خدا» می‌داند. خانی بود عطر فروش، نامش زینب عطّاره، این خانم به خانه پیامبر اکرم(ص) می‌آمد و خانم‌ها از او عطر می‌خریدند، گاهی هم خود پیامبر اکرم(ص) از او عطر می‌خریدند. یک روز حضرت به منزل تشریف آوردند، متوجه شدند بوی عطر می‌آید، فهمیدند زینب عطّاره به خانه شان آمده است. به او فرمودند: «اذا ابتینا طابیت بیوتنا»؛ شما هر وقت به خانه ما می‌آیی، خانه ما خوشبو می‌شود. او هم خانم مؤدبی بود، عرض کرد: ما رسول الله، بوی شما از هر عطری خوش تر است، خانه شما به واسطه شما خوشبوتر است. بعد عرض کرد: یا رسول الله، من امروز که خدمت شما آمدم، برای عطر فروشی نیامدم، امروز کار دیگری با خود شما دارم. حضرت فرمودند: چه کار داری؟ گفت: آمده‌ام تا عظمت خدا را بشناسم،

آمه است. به او فرمودند: «اذا ابتینا طابیت بیوتنا»؛ شما هر وقت به خانه ما می‌آیی، خانه ما خوشبو می‌شود. او هم خانم مؤدبی بود، عرض کرد: ما رسول الله، بوی شما از هر عطری خوش تر است، خانه شما به واسطه شما خوشبوتر است. بعد عرض کرد: یا رسول الله، من امروز که خدمت شما آمدم، برای عطر فروشی نیامدم، امروز کار دیگری با خود شما دارم. حضرت فرمودند: چه کار داری؟ گفت: آمده‌ام تا عظمت خدا را بشناسم،

می‌خواهم عظمت خدا را درک کنم، آمده‌ام از شما یاد بگیرم. پیامبر فرمودند: «دراره عظمت خلق خدا بندیش»؛ حضرت به این موضوع توجه داشتند که این زن اگر بخواهد مفهومی از عظمت در نظر داشته باشد، ابتدا عظمت جسمانی به ذهنش می‌آید، بعد از این طریق باید به عظمت فوق جسمانی و معنوی برسد. به همین دلیل، اول سعی کردند عظمت جسمانی را درست در ذهنش تصویر کنند («اخلاق و عرفان اسلامی، محدثتی مصباح، نشریه معرفت، ج ۱، ص ۳) در قرآن آیاتی استفاده‌های و توبیخی هست مثل آیه «وَأَلَمْ یَرَوْا کَیْفَ یُنْزِلُ اللّٰهُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهُ» که خداوند دائماً می‌پرسد، آیا نمی‌بینند؟! «وَأَلَمْ یَرَوْا...» مراد از رویت، نظر کردن علمی است، نه دین به چشم(ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷۳). همه این آیات به این صورت فعل دیدن را برای آفریده‌های خداوند به کار می‌برد، مثل دیدن سجود اجسام در کم و زیاد شدن سایه آنها (نحل -۴۸) دیدن آسمان‌ها و زمین(و آن چه بین آنهاست) (انبیاء - ۳۰)، دیدن گیاهان و درختان و زوج بودن آنها (شعراء - ۷) دیدن مخلوقات و مرگ آنها و بارگشت آنها (عنکبوت - ۱۹) آب و منافع آن (سجده - ۲۷) چهارپایان (یس - ۷۱) آفرینش انسان(یس-۷۷) پرندگان و گشودن و بستن بالهایشان در آسمان (ملک -۱۹) ... و. که این همان تذکر یاد آوری عظمت پروردگار است که دلیل و نتیجه آن توسط ائمه(ع - قرآن‌های ناطق و مفسران قرآن شرح داده شده است. از همین مطلب لزوم وجود این حضرات در کنار قرآن نیز اثبات می‌شود.

شناخت تفکر
در قدرت خداوند
در آیاتی مانند (انعام -۲۷ بقره ۲۰) معمولاً خداوند از کارهایی که می‌تواند انجام دهد‌ اما هنوز صلاح ندانسته که انجام دهد یاد می‌فرماید و بعد با صفت قدیر خود را می‌ستاید. از این‌آیات متوجه می‌شویم معمولاً «قدرت» به کارهایی مربوط می‌شود که ممکن است هنوز از طرف خداوند محقق نشده باشد اما وجود یافتن و انجام آن کار از طرف خداوند امکان پذیر است. امام علی(ع) در نهج البلاغه ضمن اینکه اندیشه در بزرگی قدرت خدا را مایه «برگشتن به راه راست» و «ترس از آتش سوزان» می‌داند، بسرای «تفکر در بزرگی قدرت پروردگار» کوچکی جنه مورچه و ملخ را مثال می‌زنند و توجه ما را به شگفتی‌های آنها جلب می‌فرمایند. ایشان با این مثال‌ها ذهن مخاطب را به تفکر بر روی این دو موجود کوچک و نا دارند، تا عظمت خدا را متوجه شود و مطمئن! این گونه توجه، اثرات ویژه خود را برای انسان به ارمغان می‌آورد. این امام بزرگوار و انسان کثیر با مثال‌هایی از این قبیل، چگونگی توجه به مخلوقات خداوند را برای «تفکر در قدرت خداوند» آموزش می‌دهند. (نهیج البلاغه - خطبه ۱۸۵) برای درمان بیماری «سوء ظن» می‌فرماید: «خدایا به من کمک کن تا در مورد قدرت تو تفکر کنم» یعنی تفکر بر کارهایی را که خداوند می‌تواند انجام دهد اما هنوز انجام نداده و همچنین تفکر در آفرینش مخلوقات خداوند، مربوط به قدرت خداوند است. «تفکر» یا «یاد آوری» که در مورد «عظمت» گفته شد، متفاوت و پیچیده‌تر می‌باشد. زیرا برای «تفکر در قدرت خداوند» انسان باید اولاً علم ساختمان بدن و مواد تشکیل دهنده مخلوقات را بیاموزد و در مورد آفرینش آنها فکر کند، ثانیاً چیزی را که ندیده در ذهن خود خلق کند.

پس با تفکر بر مخلوقات خداوند و کارهایی که خدا قدرت دارد، آنها را انجام دهد اما هنوز صلاح ندانسته آنها را انجام بدهد و خلق و

الته اگر سلامت تن و روان گاه بیرون از دسترس آدمی است، ولی خاطر آسوده داشتن دراختیارانسان است و او می‌تواند کاری کند که همواره خاطری آسوده داشته باشد؛ چرا که مسئله‌ای قابل مهار است و انسان می‌تواند خاطر مشوش خود را آسوده سازد.

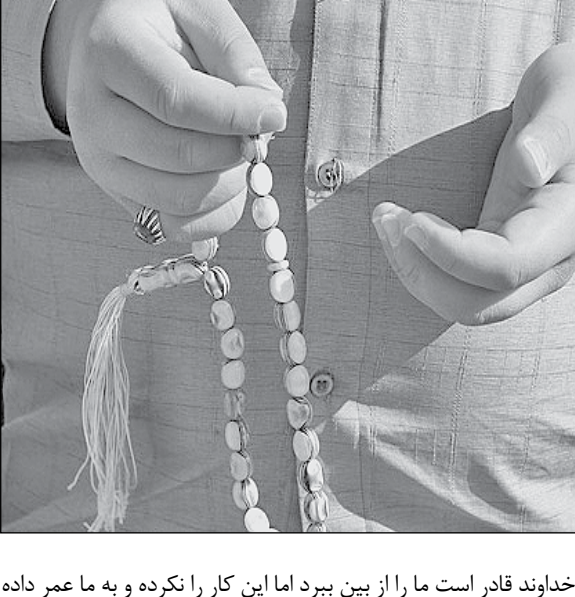
راه رسیدن به آسودگی خیال
برای کسب خاطر آسوده باید کارهایی انجام داد که نخستین آن تغییر نگاه و زاویه دید نسبت به خدا و حوادث و رخدادهایی است که براساس مشیت و اراده الهی پدید می‌آید.

اگر انسان خداوند را به صفاتی همانند مالک، حکیم، علیم، قدیر و رحمان بشناسد، می‌تاند این خداوند، مالک هستی خود و اوضاع و احوال اوست و او حکیمانه و هدفمند هر کاری را انجام می‌دهد و به همه کلیات و جزئیات دانا است

*** برای کسب خاطر آسوده باید کارهایی انجام داد که نخستین آن تغییر نگاه و زاویه دید نسبت به خدا و حوادث و رخدادهایی است که براساس مشیت و اراده الهی پدید می‌آید.**

*** امام سجاد(ع) در فراز سیزدهم از دعای بیستم صحیفه سجادیه برای عیوب و گناهانی مثل غیبت که اکثر مردم به آن مبتلا هستند، پرهیز تجویز نمی‌کنند بلکه دستورات ساده و نسخه‌هایی از داروی فکر و ذکر و درمان‌هایی مناسب ارائه می‌فرمایند تا شخص به وسیله این فکر و ذکرها نسبت به آن گناهان بی‌رغبت شود و انجام ندهد. این همان درمانی است که جامعه تشنه آن می‌باشد و کمتر به‌طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است.**

انسان‌ها را به رحمان می‌کشد و می‌فرماید: «إِن یَشَأْ یذهبکم أَنفَا النَّاسِ وَیَاتِ بِأَخْرَینَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلَی ذَٰلِکَ قَدِیرًا» «ای مردم! اگر خدا بخواهد همه شما را از میان برمی‌دارد، و گروه دیگری را آیه جای شما می‌آورد؛ و خدا همواره بر این کار تواناست.» (نساء - ۱۳۳) ما نیز می‌توانیم این مواردی را که هنوز اتفاق نیفتاده اما خداوند قدرت بر انجام آن را دارد، پیدا کنیم و به آنها فکر کنیم. مثلاً فکر کنیم که



خداوند قادر است ما را از بین ببرد اما این کار را نکرده و به ما عمر داده است. همینطور به نهج البلاغه و شرح آفرینش کوهها، کهکشان، فضا و موجودات مختلف مثل مورچه، ملخ، طووس، کلاغ و.. مراجعه کنیم، با دقت بخوانیم و تفکر کنیم.

شناخت تدبیر برای دشمنان
در مورد حسادت احتیاج به فکر پیچیده تری نیست به دو مورد قبل است که آن فکر، تدبیر و چاره‌سازی برای دشمن خداست و از این قضیه اهمیت دشمن شناسی روشن می‌شود. آموزش چاره اندیشی در مورد دشمنان را نیز می‌توان از قرآن، ادعیه و روایات فراگرفت. مثلاً در زیارت ادعیه ماثوره دعا برای دوستان خدا و نفرین و لعنت‌هایی برای دشمنان آمده است یعنی یکی از ابعاد چاره اندیشی با دعا و نفرین کردن انجام می‌شود. در زیارت عاشورا از اول تا آخر دائماً لعنت به دشمنان خدا است. همچنین در «دعای در غیبت امام زمان(عج)» (مفاتیح شیخ عباس قمی) بعد از دعاهای زیاد بر امام عصر(عج) و جمیع دوستان ایشان که خودمان نیز شامل آنها می‌شویم، نفرین‌های کوبنده‌ای نثار دشمنان می‌کنیم. انسان می‌تواند برای شروع «یاد عظمت خداوند» و «تفکر در قدرت خداوند» به کتاب‌هایی که در مورد آفریده‌های خداوند مثل انسان‌ها، کهکشان‌ها، ستاره ها، گیاهان، حیوانات و آفریده‌های دیگر نوشته شده مراجعه کند، فیلم‌های مستندی که آفریده‌های خداوند را به تصویر می‌کشند، تماشا کند. برای «یاد عظمت» آفریده‌های خداوند را برای خودش یاد آوری کند و برای «تفکر در قدرت خداوند» به آنها فکر کند.

همچنین به کارهایی که در آینده و هر لحظه می‌تواند از طرف خداوند محقق شود اما هنوز محقق نشده اندیشه کند و به مخلوقات خداوند توجه کند خلقت آنها و اجزاء تشکیل دهنده آنها را بشناسد و در حقیقت نسبت به رفتار آنها و ساختمان تشکیل دهنده‌شان علم پیدا کند، مثلاً برای «تفکر در قدرت خداوند» انسان می‌تواند خورشید را مورد مطالعه قرار دهد به آفرینش خورشید توجه کند و در مورد مواد تشکیل دهنده آن و چگونگی نور افشانی اش ... و مطالعه کند.

برای درمان حسادت نیز هر فکر و تدبیری که در پایان به نفع اسلام و مسلمین تمام شود، مطمئناً تدبیری

در مقابل دشمنان است. با صرف فکر و تدبیر در مورد این قضیه که در مرحله نظری است و نفرین و لعنت فرستان به دشمنان خدا خصوصاً خولدن با توجه زیارت عاشورا، می‌توان این بیماری را ریشه کن کرد. چاره اندیشی کردن کمتر از ساعتی در مورد دشمنان خدا به صورت مجرّده آس، سوزش سینه انباشت را از اثر منفی بیماری حسادت آرام می‌کند و انسان احساس بسیار خوبی پیدا می‌کند. حتی اگر این تدبیر به مرحله عمل نرسد و اصلاً عملی نباشد. **درمان بیماری‌هایی که زبان انسان به آنها مبتلا می‌شود** امام سجاد(ع) برای درمان بیماری‌های زبان می‌فرماید: «خدایا به من کمک کن شیطان بر زبانت جاری می‌سازد از فحش و بدگویی و نامزای با شهادت ناطق، یا غیبت از مؤمن غایب یا دشنام به شخصی حاضر و مانند اینها، سخن در سیاس تو گویم و مبالغه در ثنای تو ورزم، و با نام هستی خود ستایش بزرگی تو کنم، و شکر نعمت تو بجای آورم، و اعتراف به احسان تو نمایم، و به شمردن نعمت‌های تو مشغول گردم. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۸۰) همان طور که گفته شد امام سجاد(ع) در این قسمت دعا ضمن اینکه بعضی گفتار ها از قبیل فحش دادن، سخنان زننده و ناپسند گفتن، ریختن آبروی دیگران، شهادت باطل دادن، غیبت کردن از مؤمنین، هتاکي همراه

مصیبتی نه در زمین و نه در جاهنای شما آیه شما نرسد، مگر آنکه پیشش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی موجود است. این آکار! بر خدا آسان چیز را دانسته باشم دیگر حرص زدن جایی نخواهد داشت؛ چنانکه پیامبر(ص) به شما داده شامانی (بی‌جا) نکند و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. اگر انسان چنین نگاهی به حوادث داشته باشد، دیگر خودش را به رنج نمی‌اندازد تا به هر جان کنندی چیزی را به دست آورد و کمتر توجه به دنیا خواهد داشت و بیشتر به فکر آخرت خواهد بود، چون وقتی انسان تن سالم و خاطر آسوده داشته باشد، دیگر چه غم دارد تا دنیا دنیا با ببرد یا نه؟ آنکه دنیا یک خصوصیتی دارد

با نیش زدن و دیگر گناهان زبان را جملاتی که شیطان هر زبان ما جاری می‌سازد معرفی می‌نماید، شش درمان نیز برای بیماری های زبان انسان تجویز و ارائه می‌فرماید. گناهان زبان، از بیماری‌هایی هستند که بعد از مدتی به قلب سرایت می‌کنند و قلب را بیمار و ملکه انسان می‌شوند یعنی تبدیل به یک صفت ثابت و با برجا و صورت ملکوتی انسان می‌شوند. (چهل حدیث اصم صمیمی) امام علی(ع) می‌فرماید: ایمان بنده‌ای استوار نگردد تا دل او استوار شود و دل استوار نشود تا زبان استوار گردد. (نهیج البلاغه خطبه ۱۷۶)

اولین راه حل و درمان: حمد کردن خداوند با زبان
حمد: ستایش با زبان در برابر کار نیکی است که با اختیار از فاعل آن صادر شود. این فعل صادر شده یا برای خود فاعل فعلی دارد، مانند، علم. یعنی ما به خاطر علم خداوند او را حمد می‌کنیم. یا آنکه غیرد ر آن لحاظ گردیده است؛ مانند، احسان و بخشدگی. ما خداوند را به خاطر احسان و بخششی که به ما و یا دیگری داشته، او را حمد می‌کنیم. (سایت: پایگاه فرهنگی حجه الاسلام حاتم پوری کرمانی) یعنی آن احسان و بخشندگی را که از خداوند صادر شده، می‌ستاییم.

دومین درمان: زیاده روی کردن و غرق شدن در ثناء خداوند

معنی ثنا در فرهنگ لغت قسمتی از ستایش است که با تکرار صادر گردد. (مفردات راغب - شرح خطبه حضرت زهرا(س)، ج ۱ حد عزالدین حسینی زنجانی)

با توجه به مطالب گذشته اگر درمورد این قضیه فکر کنیم بیماری آرزوهای طولانی درمان می‌شود، اگر به صورت کلام بر زبان جاری شود، بیماری‌های زبان برطرف می‌شود.

صلوات نیز ثنای پروردگار و کامل‌ترین ذکر است. امام رضاع(ع) می‌فرماید: «صلوات بر محمد و آل او، معادل است با ذکر سبحان الله و الحمدله و لا اله الا الله و الله اکبر.» (آثار و برکات صلوات در دنیا، برزخ و قیامت) اثر صلوات بر وجود انسان همان اثر ثنای پروردگار است. یعنی مجموعه نفي و اثبات برای پروردگار. از همین جا اهمیت صلوات فرستادن نیز مشخص می‌شود. همچنین اهمیت تسبیحات حضرت زهرا(س).

سومین درمان: فرو رفتن و در آمیختن به تمجید پروردگار

تمجید نیز یکی از اقسام ستایش پروردگار است. معنی تمجید در فرهنگ لغت بزرگ داشتن و مورد ثنا و ستایش قرار دادن و پروردگار را به عظمت و بزرگی نسبت دادن است. در مورد تمجید و چگونگی آن امام صادق(ع) می‌فرماید: همانا در کتاب امیرالمؤمنین(ع) است که ستایش پیش از درخواست است، پس هرگاه خدای عزوجل را خواندی و به درگاهش دعا نمودی او را تمجید کن، عرض کردم چگونه تمجیدش کنم فرمود: می‌گویی: یا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ یَا فَتَعَالَى لَمَّا یُتْرَیذُ یَا مَنْ یُخَوِّلُ بَیْنَ الْمَرَّةِ وَ قَلْبِهِ یا مَنْ هُوَ الْبَاقِلُ الْأَعْلَى یا مَنْ هُوَ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۴)ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تری،ای کسی که هر چه را بخواهی انجام دهی،ای کسی که میان مرد و دلش حائل شوی وای آنکه در بلندترین دیدگاهی وای آنکه به ماندنش چیزی نیست. بنابراین جملاتی اینگونه که خداوند را به بزرگی یاد می‌کند تمجید می‌باشند که در کلام ائمه(ع) زیاد یافت می‌شوند. می‌شوند. دعاي مجیر و عشرات و..

چهارمین درمان شکر نعمت‌های خداوند
شکر در فرهنگ لغت به معنای سپاسگزاری و حق شناسی در برابر نیکی و احسان است. شکر، فعلی است که از شکر گزار به جهت انعامی که منعم به او داده، صادر می‌شود (سایت پایگاه فرهنگی حجت الاسلام حاتم پوری کرمانی) علامه طباطبایی می‌فرماید شکر خدا به این است که انسان نعمت را در محل خودش بکار ببرد و در مفاسد استفاده از آن نیز متذکر خدا بوده باشد. (تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۶۵) **شکر ۱- نوع می‌باشد: ۱- تقدیر لسانی ۲- اعتقاد قلبی ۳- محبت درونی ۴- تقدیر عملی و خدمت متقابل (پایگاه فرهنگی حجت الاسلام حاتم پوری کرمانی) که البته در اینجا چون درمان بیماری زبان مدن نظر است مراد همان شکر زبانی است.**

تفاوت حمد وشکر
حمد و شکر، از نظر منی بسیار به هم نزدیک هستند و تنها تفاوت آنها در این است که، شکر همیشه به ازاء نعمت هاست و بر نعمتی صحیح است که به خود سپاس گزار رسیده باشد، اما حمد در برابر افعال نیک و صفات جمیل و گاهی در برابر نعمت‌ها آورده می‌شود (حتی اگر نعمت به فرد دیگری غیر از خود ما رسیده باشد). (همان). به نظر می‌رسد حمد ستودن و تعجب و صاحب نعمت باشد و در اینجا متوجه به صورت عام مدنظر است. شکر تشکر از صاحب نعمت و اعتراف به نعمتی است که به خود انسان رسیده است و در واقع نعمت خاص و شخصی مورد نظر است.

پنجمین درمان: اعتراف کردن آشکارا به احسان خداوند
اعتراف در فرهنگ لغت یعنی اظهار و اقرار علنی که با یاد کردن در قلب فرق می‌کند. مثل نماز که حتما باید با صدا خوانده شود. احسان نیز در فرهنگ لغت به معنای: «خیر خواهی، نیک خواهی، توجه، مساعدت، مرحمت کردن، نیکی کردن و طرفداری کردن» است. **ششمین درمان: شمردن نعمت‌های خداوند**
احصاء در فرهنگ لغت یعنی شمارش، آمار گیری، سرشماری، شمردن. منت یعنی چه؟ کلمه «مَن» در اصل به معنای ثقل و سنگینی بوده و از همین جهت واحد وزن را هم در سابق «هن» می‌گفتند، و منت به معنای نعمت سنگین است، فلاتی بر فلاتی منت نهاد معنایش این است که او را از نعمت گرانبار کرد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۸۰) امام سجاد(ع) زیاد شدن جمعیت ما(مومنین) (صحیفه سجادیه، دعای دوم)، بی‌نیازی ما از دیگران (صحیفه سجادیه، دعای اول)، آسان بودن غفو خداوند (صحیفه سجادیه، دعای دهم) و روان ساختن ما در راه‌های اعوان خداوند که ما را به رضایش رهنمون می‌کند (صحیفه سجادیه، دعای ۴۴) را از منت‌های خداوند می‌داند. همچنین امام رضاع(ع) توفیق متابعت از حضرت مهدی(عج) در زمان غیبت را منت معرفی می‌فرماید؛ (وامن علینا بمناجاته، دعا برای امام زمان(عج)، مفاتیح) در دعاها و سخنان موعومین(ع) بعضی منت‌ها شمرده شده است. می‌توانیم آنها را پیدا کرده و همراه با بعضی نعمت‌هایی که خداوند حس می‌کنیم برای ما منت است، برای اصلاح خود شمارش کنیم. یعنی نعمت‌ها را به ترتیب بزرگی و اهمیت نعمت با اعداد ۳، ۲، ۱... و...که مخصوص شمارش هستند، بشماریم.

مصیبتی نه در زمین و نه در جاهنای شما آیه شما نرسد، مگر آنکه پیشش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی موجود است. این آکار! بر خدا آسان چیز را دانسته باشم دیگر حرص زدن جایی نخواهد داشت؛ چنانکه پیامبر(ص) به شما داده شامانی (بی‌جا) نکند و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. اگر انسان چنین نگاهی به حوادث داشته باشد، دیگر خودش را به رنج نمی‌اندازد تا به هر جان کنندی چیزی را به دست آورد و کمتر توجه به دنیا خواهد داشت و بیشتر به فکر آخرت خواهد بود، چون وقتی انسان تن سالم و خاطر آسوده داشته باشد، دیگر چه غم دارد تا دنیا دنیا با ببرد یا نه؟ آنکه دنیا یک خصوصیتی دارد

مصیبتی نه در زمین و نه در جاهنای شما آیه شما نرسد، مگر آنکه پیشش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی موجود است. این آکار! بر خدا آسان چیز را دانسته باشم دیگر حرص زدن جایی نخواهد داشت؛ چنانکه پیامبر(ص) به شما داده شامانی (بی‌جا) نکند و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

اگر انسان چنین نگاهی به حوادث داشته باشد، دیگر خودش را به رنج نمی‌اندازد تا به هر جان کنندی چیزی را به دست آورد و کمتر توجه به دنیا خواهد داشت و بیشتر به فکر آخرت خواهد بود، چون وقتی انسان تن سالم و خاطر آسوده داشته باشد، دیگر چه غم دارد تا دنیا دنیا با ببرد یا نه؟ آنکه دنیا یک خصوصیتی دارد

صفحه ۶
پنج شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۴
۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ – شماره ۲۱۲۴۷

چراغ راه

شاخص‌های ولایت‌مداری

قال‌الصادق(ع) «با بن چندب؛ بلغ معاشر شیعتنا و قل لهم:

لا تذهبن بکم المذاهب، فوالله لا تنال و لا یلتا الا بالورع و الاجتهاد

فی‌الدنیا و مواساة الاخوان فی‌الله.

امام صادق(ع) به یکی از یارانش فرمود: ای پسر چندب! به شیعیان ما بگو! مواظب باشیدی فرقه‌ها و گروه‌ها شما را منحرف نسازند! به خدا سوگند! هیچ‌کس به جرگه ولایت ما در نمی‌آید، مگر با رعایت پارسایی و تلاش در دنیا (در راه خدا) و همیاری با برادران دینی. ^(۱)

۱- تحف‌العقول، ص ۳۳

حکایت خوبان



حقیقت را کتمان نکنید و حق را با باطل نیامیزید!

«حیی بن اخطب» و «کعب بن اشرف» از بزرگان یهود در زمان پیامبراسلام(ص) بودند. هر سال یهودیان برای اینها میهمانی مفصل و پرزرق و برقی ترتیب می‌دادند و آنها را با احترام فراوان دعوت می‌کردند. هنگامی که پیامبر اکرم(ص) دعوت خویش را اعلام فرمودند، آنها از ترس اینکه مقام و موقعیت و ثروت خویش را از دست بدهند، آیات تورات را که مربوط به اوصاف حضرت محمد(ص) بود تحریف می‌کردند، و حقانیت پیامبر اسلام را برای یهودیان بیان نکرده و آن را کتمان می‌کردند. در این هنگام خداوند متعال خطاب به آنها و همه کسانی که چنین روشی دارند آیات ۴۱ و ۴۲ سوره البقره را نازل فرمود: «و به آنچه نازل کردم (قرآن) ایمان بیاورید که نشانه‌های آن با آنچه در کتاب‌های شما است کاملاً مطابقت دارد، و نخستین کافر به آن نباشید، و آیات مرا به بهای ناچیز (موقعیت، مقام و پول دنیوی) نفروشید (و به خاطر درآمد مختصر نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را که در کتاب‌های آسمانی شما موجود است، پنهان نکنید) و فقط از من (و مخالفت با دستور من) بترسید و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با آنکه می‌دانید کتمان نکنید!» ^(۱)

۱- مجمع البیان، ذیل آیات ۴۱ و ۴۲ سوره البقره

پرسش و پاسخ

روش‌های دشمنان برای ریشه کن کردن دین

پرسش:
از منظر قرآن آرزوها و روش‌های دشمنان برای بی دین کردن مردم، کدام است؟

پاسخ:
۱- **علافت‌جدي به انحراف مؤمنان دارند:** «وَدَّت طائفةٌ منَ أهلِ الکتابِ و لا یفلحون» «جمعی از اهل کتاب (یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند» (آل عمران - ۶۹)
۲- حق را با باطل مشتبه می‌سازند: «یا اهل الکتاب لم تبسبوا «و جمعی از اهل کتاب (ز یهود) گفتند: «بروید در ظاهر به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)» (آل عمران - ۷۲)
در تفسیر می‌خوانیم: «واژه نفر از دانشمندان یهود، صبح اسلام آوردند و غروب از دین برگشتند تا هم در مسلمانان تردید ایجاد کنند و هم به همکشان خود بگویند: اگر اسلام خوب بود، ما بر آن پایدار مانده بودیم. **۵. بوده‌هایی را برای مقابله با دین هزین می‌کنند:** «ان الذين كفروا یفتنون اموالهم لیسئلوا عن سبیل الله» «آنها که کافر شدند، اموالشان را برای رهیبری الهی ایجاد می‌نمایند می‌کنند: «تعلمون انی صالح» مرسل من ربه» گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» (اعراف - ۷۵)

۷. از غفلت و چهل مردم استفاده کرده و چشم بندی علمی می‌کنند: «یلوون أستمهت بالکتاب لتحبسوه من الکتاب» «در میان آنها [یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گرداند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است» (آل عمران - ۷۸) مطالب خود را چنان بیان می‌کنند تا دیگران را به اشتباه انداخته، گمان کنند کتاب آسمانی است.
۸. تبلیغات و نهی از رو در روی با حق و حقیقت: بزرگان یهود برای جلوگیری از گرایش یهودیان به مؤمنین می‌گفتند: «لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم» «و جز به کسی که از آیین شما پیروی می‌کند، (واقعا) ایمان نیاورید» (آل عمران - ۷۳)

بنابراین راهکارهایی از قبیل: حق را با باطل مزوج کردن، کتمان حقایق، تظاهر به ایمان و عوام فریبی، شبهه در رهبری الهی و استفاده از غفلت و چهل مردم و تبلیغات منفی و ... می‌تواند در جامعه‌ای منجر به دین گریزی مردم شود و آموزه‌های وحیانی را در انزوا و حاشیه قرار دهد. در نقطه مقابل الگو قرار دادن احکام الهی قرآن، سیره پیامبر گرامی(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) برای احاد عوام و مسئولین از خطاهای خود استفاده کند. یعنی چه از خطاهای خود استفاده کند؟ و عمل به آنها می‌تواند منجر به تعلیم دین و آموزه‌های نورانی و مشفع آن گردد.

سلوک عارفانه

لزوم خطایابی و اصلاح نفس سالک

(بدان ای سالک راه خدا!) عالی‌ترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خوشتن است. یعنی انسان بتواند در دریای ژرف افکار و اندیشه‌ها و تمایلات و افعال و اقوال خود فرو برد و خطاهای خود را بیابد و انگشت روی آنها بگذارد، و آنها را از خود دور کند. از بشر انتظار اینکه خطا نکند، خلاصت، بشر جابز‌الخطاست، از بشر باید انتظار داشت که خطاهای خود را تکرار نکند، از خطاهای خود استفاده کند. یعنی چه از خطاهای خود استفاده کند؟ و عمل به آنها را بشناسد و مصمم گردد که تکرار نکند. ^(۱)

۱- شهید مطهری (ره)، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۱۱۵

صفحه معارف و روز‌های: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱